

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
دانشکده علوم سیاسی

پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M. A)

رشته اندیشه سیاسی در اسلام

موضوع:

تعامل و تزاخم تمدن اسلامی و تمدن غربی در آرا و نظرات برنارد لوییس

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر علی اکبر امینی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر عباسعلی رهبر

پژوهشگر:

معصومه کشاورز صالح

زمستان ۹۰

تعهذنامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانف معصومه کشاورز صالح دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد به شماره دانشجویی ۸۸۰۶۵۰۳۳۲ در رشته اندیشه سیاسی در اسلام که در تاریخ ۹۰/۱۱/۲۵ از پایان نامه خود تحت عنوان تعامل و تزامف تمدن اسلامی و تمدن غربی در آرا و نظرات برنارد لویس با کسب نمره و درجه دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

۱- این پایان نامه حاصل تحقیق رو پژوهش انجام شده توسط اینجانف بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.

۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانف مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضاء:

بسمه تعالی

در تاریخ ۹۰/۱۱/۲۵

معصومه کشاورز صالح دانشجوی کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام از پایان نامه خود دفاع نموده و با نمره به حروف و با درجه مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

بسمه تعالی دانشکده علوم سیاسی این چکیده به منظور چاپ در پژوهش نامه دانشکده تهیه شده است	
نام واحد دانشگاهی: تهران مرکزی	کد واحد: ۱۰۱
کد شناسایی پایان نامه: ۱۰۱۲۰۸۱۲۸۹۲۰۴۷	
عنوان پایان نامه: تعامل و تزاخم تمدن اسلامی و تمدن غربی در آرا و نظرات برنارد لوئیس	
نام و نام خانوادگی دانشجو: معصومه کشاورز صالح شماره دانشجویی: ۸۸۰۶۵۰۳۳۲ رشته تحصیلی: اندیشه در سیاسی اسلام	تاریخ شروع پایان نامه: نیمسال دوم ۸۹-۹۰ تاریخ اتمام پایان نامه: ۹۰/۱۱/۲۵
استاد راهنما: جناب آقای دکتر علی اکبر امینی استاد مشاور: جناب آقای دکتر عباسعلی رهبر	
آدرس و شماره تلفن: کرج - عظیمیه - بلوار زنبق - زنبق ۲۰ - پلاک ۴۱ - ساختمان طاها - واحد ۲ ۰۹۳۵-۶۹۳۴۰۵۵	
<p>چکیده پایان نامه (شامل خلاصه، اهداف، روش های اجرا و نتایج به دست آمده):</p> <p>برنارد لوئیس، به عنوان یک شرق شناس و تحلیلگر سیاسی یکی از صاحب نظران اصلی مغرب زمین درباره ی اسلام و مسلمانان است. اما اهمیت آرا و اندیشه های لوئیس تنها از جنبه ی علمی نبوده چرا که به دلیل نفوذی که شخص وی و اندیشه هایش در محافل سیاسی غرب و به ویژه در میان نومحافظه کاران ایالات متحده دارد، نیز مورد توجه قرار گرفته است. از نگاه بسیاری، وی به عنوان پدر اندیشه نومحافظه کاران آمریکا درباره ی اسلامی شناخته می شود. این نفوذ علمی و سیاسی لوئیس موجب شده که کنکاش در نظرات وی بتواند وجوه خاصی از نگاه غرب به جهان اسلام را به نمایش گذارد، وجوهی که چگونگی تعامل و تضاد میان این دو حوزه ی تمدنی را در بر می گیرد. از این رو است که پژوهش حاضر با تمرکز بر آرا و اندیشه های این شرق شناس بزرگ تلاش می نماید تا چگونگی روابط میان دو حوزه ی تمدنی یعنی جهان اسلام و غرب را از نگاه وی به تصویر کشد. پژوهش حاضر با عنوان "تعامل و تزاخم تمدن اسلامی و تمدن غربی در آرا و نظرات برنارد لوئیس" بر محور این پرسش شکل گرفته که "برنارد لوئیس رابطه با جهان اسلام و غرب را چگونه به تصویر کشیده و این تصویر چه تأثیری بر تعامل میان این دو حوزه ی تمدنی داشته است؟" در پاسخ به این پرسش، نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد که لوئیس تمام تاریخ را به جدال دائمی میان اسلام شرقی و مسیحیت غربی نسبت می دهد. از دید لوئیس مشکل اصلی و عامل این اختلاف، فرهنگ است. همچنین وی واکنش جهان اسلام نسبت به غرب را واکنشی خشم آلود، بنیادگرایانه و همراه با حرکت های تروریستی می داند.</p> <p>مجموعه مطالب این پژوهش نشان می دهد که فرضیه به آزمون گذارده شده یعنی این استدلال که "برنارد لوئیس در ایجاد تصویری منازعه آمیز از روابط میان تمدن اسلام و غرب نقش کلیدی داشته و آرای وی به ویژه در میان نومحافظه کاران آمریکایی جایگاه ویژه ای دارد." را می توان تأیید کرد.</p>	
نظر استاد راهنما برای چاپ در پژوهشنامه دانشکده مناسب است _ مناسب نیست	تاریخ و امضاء

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول کلیات پژوهش.....
۳	۱. بیان مسأله.....
۵	۲. هدف از نگارش پژوهش.....
۵	۳. دلایل گزینش موضوع.....
۵	۴. چکیده و ارزیابی ادبیات علمی پیرامون موضوع پژوهش.....
۶	۴.۱. برنارد لوئیس از نگاه دیگران.....
۷	۴.۲. تمدن و تمدن ها.....
۸	۴.۳. شرق شناسی.....
۱۰	۵. نوآوری پژوهش.....
۱۱	۶. پرسش اصلی.....
۱۱	۷. پرسش های فرعی.....
۱۱	۸. مفروض.....
۱۱	۹. فرضیه.....
۱۲	۱۰. تعریف مفاهیم.....
۱۲	۱۰.۱. تمدن.....
۱۵	۱۰.۲. تمدن اسلامی.....
۱۸	۱۰.۳. تعامل تمدنی.....
۱۹	۱۰.۴. تراحم تمدنی.....
۲۰	۱۱. متغیر ها و تعریف آنها.....
۲۰	۱۲. روش پژوهش.....

۲۱	۱۳. سازمان‌دهی پژوهش.....
۲۲	فصل دوم شرق‌شناسی، الگویی برای تحلیل آرای برنارد لوئیس.....
۲۴	۱. مفهوم شرق‌شناسی.....
۲۶	۲. شرق‌شناسی کلاسیک.....
۲۷	۲.۱. دوره‌ی اول.....
۲۸	۲.۲. دوره‌ی دوم.....
۳۰	۲.۳. دوره سوم.....
۳۵	۳. شرق‌شناسی معاصر.....
۳۹	۳.۱. ضد شرق‌شناسی، نقد به شرق‌شناسی.....
۳۹	۳.۲. شرق‌شناسی توحیدی.....
۴۰	۳.۳. شرق‌شناسی وارونه.....
۴۱	فصل سوم برنارد لوئیس؛ شخصیت، آثار و آرا.....
۴۲	۱. زندگی‌نامه.....
۴۳	۲. برنارد لوئیس و صهیونیسم.....
۴۴	۳. آثار، نوشته‌ها و سایر تحقیقات علمی.....
۴۵	۳.۱. تاریخ اسلام و اعراب.....
۴۶	۳.۲. جامعه اسلامی.....
۴۷	۳.۳. فرق و جریان‌های فکری در جهان اسلام.....
۴۹	۳.۴. دولت عثمانی و ترکیه جدید.....
۵۰	۳.۵. اسلام، یهودیت و فلسطین.....
۵۱	۳.۶. شرق‌شناسی.....
۵۳	۴. ارزیابی آرای برنارد لوئیس.....

فصل چهارم تعامل و تزاخم میان اسلام و غرب در بستر تاریخ: ریشه ها و وضعیت کنونی.....۵۵

۱.روابط اسلام و غرب از عصر فتوحات اسلامی تا دوران فترت نخست.....۵۸

۲.روابط اسلام و غرب در دوران فترت نخست.....۶۵

۳.از ظهور سه قدرت اسلامی تا افول و ضعف آنها و سرآغاز استعمار.....۷۰

۴.از فروپاشی امپراتوری عثمانی تا کنون.....۸۵

فصل پنجم روابط میان اسلام و غرب در اندیشه ی برنارد لوئیس.....۸۹

۱.تاریخ تحولات روابط میان اسلام و غرب در آثار برنارد لوئیس.....۹۲

۲.برنارد لوئیس و بیان روابط میان اسلام و غرب در عصر حاضر.....۱۰۲

نتیجه گیری.....۱۰۵

منابع.....۱۰۹

فصل اول :

کلیات پژوهش

برنارد لوئیس^۱ تاریخدان آمریکایی-انگلیسی، شرق شناس و تحلیلگر سیاسی و استاد بازنشسته ی رشته ی مطالعات خاور نزدیک دانشگاه پرینستون است. تخصص وی در تاریخ اسلام، تعامل اسلام و غرب به ویژه تاریخ ترکیه بوده و به عنوان یکی از صاحب نظران اصلی این حوزه در غرب شناخته می شود. تا آن جا که به گفته مارتین کرامر در دایره المعارف تاریخ، لوئیس اصلی ترین و مؤثرترین فرد صاحب نظر درباره ی تاریخ اسلام طی شصت سال گذشته بوده است. این برجستگی و شهرت وی سبب گشته تا آرا و اندیشه‌هایش همواره مورد توجه و نقد اهالی فرهنگ، اندیشه قرار گیرد و حتی بسیاری از آثار وی در جهان اسلام و ایران ترجمه و منتشر گردد.

اما اهمیت آرا و اندیشه های لوئیس تنها از جنبه ی علمی نبوده چرا که به دلیل نفوذی که شخص وی و اندیشه هایش در محافل سیاسی غرب و به ویژه در میان نومحافظه کاران ایالات متحده دارد، نیز مورد توجه قرار گرفته است. از نگاه بسیاری، وی به عنوان پدر اندیشه نومحافظه کاران آمریکا درباره ی اسلام شناخته می شود. این نفوذ علمی و سیاسی لوئیس موجب شده که کنکاش در نظرات وی بتواند وجوه خاصی از نگاه غرب به جهان اسلام را به نمایش گذارد، وجوهی که چگونگی تعامل و تضاد میان این دو حوزه ی تمدنی را در بر می گیرد. از این رو است که پژوهش حاضر با تمرکز بر آرا و اندیشه های این شرق شناس بزرگ تلاش می نماید تا چگونگی روابط میان دو حوزه ی تمدنی یعنی جهان اسلام و غرب را از نگاه وی به تصویر کشد.

^۱ Bernard Lewis

۱. بیان مسأله

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و از میان رفتن نظام دو قطبی سیاست بین الملل، تلاش های نظری بسیاری برای تحلیل شرایط جهان پس از شوروی و ارائه ی منظری بلند مدت از سیاست بین الملل شد که در این میان نام دو نظریه پرداز یعنی فرانسیس فوکویاما^۱ و ساموئل هانتینگتون^۲ بیش از همه برجسته شد. این دو هر یک بر اساس مبانی و نگاه خاص خود آینده ی جهان را آن گونه که تصور می نمودند به تصویر کشیدند. فوکویاما در کتاب مشهور خود یعنی "پایان تاریخ و آخرین انسان"^۳، آینده ی جهان را در پیوند با برتری الگوی فکری لیبرالیسم بر سایر گرایش های فکری و گسترده شدن آن در سطح جهان تصویر می کند. از زاویه دید وی به دلایلی مختلف، سوسیالیسم رادیکال (یا کمونیسم) و سایر اندیشه های مغایر با دموکراسی انتخابی مدرن و اقتصاد بازار در آینده، که دموکراسی ها به گونه ای فراگیر، جهان را در بر خواهند گرفت دیگر امکان بقا نداشته و این تفکر لیبرالیسم است که همه گیر می گردد. (Fukuyama, ۱۹۹۲, ۳۲۹)

اما این تنها یک تصویر از آینده ی جهان است، نظریه ی دیگر که متعلق به هانتینگتون است، تصویری متفاوت از جهان پس از شوروی را ترسیم می نماید. وی با محور قرار دادن مفهوم تمدن به جای دولت، ایده ی خود را در قالب جنگ تمدن ها معرفی می نماید. ساموئل پی هانتینگتون، در کتاب و مقاله خویش، با عنوان "برخورد تمدن ها"، تلاش می نماید که نشان دهد منازعه موقت میان ایدئولوژی ها، با تضاد کهن میان تمدن ها جایگزین گشته است و از آن جا که از نگاه وی، تمدن شکل مسلط دولت و انسان را تعیین خواهد کرد، آینده در گروی درگیری میان تمدن ها است. (Huntington, ۱۹۹۳, ۲۲-۲۹) در میان این دو تصویر از آینده ی جهان، جنگ میان تمدن ها بیش تر مورد توجه قرار گرفته و بدان واکنش نشان داده شد چنان که گفتگو به جای جنگ میان تمدن ها واکنشی در برابر این نظریه بود. اما اینها تنها تصاویر از آینده ی جهان نبودند، دور از حواشی رسانه ای اندیشمند دیگری نیز آینده ای همراه با جنگ برای جهان تصویر نمود.

^۱ Yoshihiro Francis Fukuyama

^۲ Samuel P. Huntington

^۳ The End of History and the Last Man

برنارد لوئیس، در کتاب خود با عنوان "فرهنگ‌ها در منازعه" به نوعی با تأیید نظریه‌ی هانتینگتون، تلاش نمود تا صورت بندی جدیدی را از آن به نمایش گذارد. صورت بندی که بر محوریت فرهنگ به جای تمدن شکل گرفته و آینده‌ی جهان را حاصل درگیری میان فرهنگ‌ها می‌داند. (Bernard Lewis, ۱۹۹۶, ۹۸-۱۰۰) نکته‌ای که وی را به نوعی برجسته می‌نماید کانونی است که وی برای این درگیری فرهنگی ترسیم می‌نماید. وی این درگیری فرهنگی را میان فرهنگ اسلامی از یک سو و فرهنگ‌های مسیحی و یهودی از سوی دیگر می‌بیند. چنین تصاویری از اسلام در کنار وقایع سیاسی به ویژه پس از حملات یازده سپتامبر، از اهمیت بیشتری برخوردار گشتند.

حملات یازده سپتامبر و به دنبال آن جنگ در افغانستان با طالبان و گروه القاعده و درگیری ایالات متحده در جنگ با عراق، وقایعی به شمار می‌آیند که در نخستین دهه از قرن بیست و یکم جهان را از خود متأثر نمودند. قرار گرفتن اسلام بنیادگرای سلفی در کنار تروریسم و تلاش غرب به محوریت ایالات متحده در مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی اسلامی چه در عرصه‌ی نظامی و چه در عرصه‌های دیگری همچون سیاست و اجتماع و فرهنگ، سبب شد که این وقایع به زعم برخی -چه در جهان اسلام و چه در غرب- منازعه‌ی میان اسلام و غرب توصیف گردند. منازعه‌ای که می‌تواند سرآغازی برای جنگی میان تمدن‌ها از نگاه هانتینگتون و یا فرهنگ‌ها از نگاه لوئیس باشد.

مجموعه‌ی این شرایط در کنار یکدیگر موجب شد تا دیدگاه این دو پیش از پیش مورد توجه محققان قرار گرفته و در این میان به دلیل شناختی که وی از اسلام و جهان اسلام داشت و نفوذی که برنارد لوئیس در میان گرایان حاکم بر امریکا در دوره‌ی ریاست جمهوری جرج بوش پسر داشت، بیش از گذشته به نقش وی و تأثیر آرا و افکار او در این تحولات توجه شود. پژوهش حاضر با عنوان **تعامل و تزاخم تمدن اسلامی و تمدن غربی در آرا و نظرات برنارد لوئیس** تلاش دارد تا با تمرکز بر نظریات این خاورپژوه چگونگی روابط میان تمدن اسلام و غرب را در آرا و اندیشه‌های مورد بررسی قرار داده و تأثیر آنها را بسنجد.

۲. هدف از نگارش پژوهش

هدف نویسنده از پرداختن به این موضوع، نخست، بررسی آرا و افکار برنارد لوئیس درباره ی اسلام و جهان اسلام است. دیگر آن که بر ادبیات علمی درباره ی شرق شناسی افزوده و در نهایت پایان نامه ی خود جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد را ارائه نماید.

۳. دلایل گزینش موضوع

نویسنده این موضوع را به چند دلیل برگزیده است. نخست آن که با توجه به پیوندی که میان لوئیس و گروهی از سیاستمداران ایالات متحده برقرار است، نظرات وی جایگاه و نقش مهمی در فهم سیاسیون ایالات متحده از جهان اسلام دارد. دوم آن که اهمیتی است که روابط میان جهان اسلام و غرب برای ایران که بخشی از جهان اسلام است دارد و در نهایت علاقه ی شخصی نویسنده به موضوع است که سبب گزینش آن شد.

۴. چکیده و ارزیابی ادبیات علمی پیرامون موضوع پژوهش

بررسی آثار علمی در رابطه با موضوع نشان می دهد که می توان مجموعه ی ادبیات علمی مرتبط با آن را با توجه به موضوع و محتوا به چند دسته ی کلی تقسیم کرد. دسته ی نخست، مجموعه ی آثار این نویسنده یعنی برنارد لوئیس است. دسته ی دوم از ادبیات علمی مرتبط با این پژوهش مجموعه آثاری است که نویسندگان مختلف در توصیف، نقد یا دفاع از آرا و نظرات برنارد لوئیس به رشته ی تحریر درآورده اند. سومین دسته، کتب و مقالاتی است که محور بحث آنها تمدن، ویژگی ها، انواع و ارتباط میان تمدن ها است و چهارمین و آخرین دسته از ادبیات علمی مورد توجه این پژوهش، آثاری در رابطه با شرق شناسی است. با توجه به این تقسیم بندی در ادامه به معرفی چند اثر خاص از هر

دسته پرداخته می شود. اما پیش از بررسی آثار باید اشاره شود که نخستین بخش، یعنی کتب و مقالات علمی برنارد لوئیس خود محور یکی از فصول این پایان نامه است. از این رو برای جلوگیری از تکرار مباحث در این فصل، آثار این نویسنده مورد بررسی و ارزیابی قرار نمی گیرند.

۴-۱- برنارد لوئیس از نگاه دیگران

آثاری که درباره ی آرا و اندیشه های برنارد لوئیس به رشته ی تحریر در آمده را می توان به سه دسته ی کلی تقسیم کرد. دسته ی نخست نوشته هایی به شمار می آیند که شرح و توصیفی از آرای وی می باشند. این دسته از آثار علی رغم گستردگی در این پژوهش نقش چندانی ندارند. دومین دسته از این آثار، نقدهایی است که بر آرای وی شده و سومین دسته، پیروان و حامیان اندیشه های لوئیس می باشند که در ادامه به برخی از این آثار اشاره می شود.

نخستین اثر که در این موضوع می توان به آن اشاره کرد، مقاله ای از ادوارد سعید با عنوان **برخورد جهل** (Said, ۲۰۰۱) است که در نقد مقاله ی لوئیس با عنوان نقد شرق شناسی نوشته شده است. در این اثر سعید به صورت کلی آرا لوئیس را از زاویه ی شرق شناسانی مورد تحلیل قرار داده و در این میان استدلال می کند که تاریخ نگاری لوئیس از خاورمیانه، برگردانی از ذهن وی به عنوان شرق شناس و به بیان خود ادوارد سعید تحریف تاریخ برای توجیه و بزرگنمایی فتوحات غرب است. از نگاه سعید، لوئیس در آثار خود کوشیده تا نشان دهد که اسلام و مسلمانان موجودیتی یکتا، بدون تکرر و تنوع هستند.

اثر دیگری که در این رابطه می توان از آن نام برد، نقدی است که به قلم عطا... مهاجرانی در ادامه ی کتاب **اسلام و غرب** (مهاجرانی، ۱۳۸۲) به رشته ی تحریر در آمده است. در این نقد، مهاجرانی تلاش نموده تا آرا برنارد لوئیس را با اتکای به گفته های کسانی چون ادوارد سعید و شاهد عالم ارائه شده مورد نقد قرار دهد و از سوی دیگر با اتکای به منابع اسلامی استدلال های وی را در باره ی اسلام به نقد کشد. در این کتاب تلاش می شود علاوه بر نقد دیدگاه های لوئیس، آرا اورینا فالاجی نیز مورد ارزیابی قرار گیرد. محور اصلی نوشته ی مهاجرانی، این استدلال است که در فضای سیاسی، اجتماعی،

تبلیغاتی پس از واقعه ۱۱ سپتامبر به داوری که از سوی این دو پژوهشگر درباره ی اسلام و مسلمانان شده، نه بر مبنای فهم از اسلام که با اتکای به درک غربی و اسلام کلیشه شده است.

۲-۴- تمدن و تمدن ها

کتاب بررسی تاریخ تمدن (توین بی، ۱۳۷۶)، اثر آرنولد توین بی، یکی از آثار برجسته ترین آثار زمینه ی بررسی معنا و مفهوم تمدن است. وی برخلاف اکثر مورخان که حوزه مطالعاتی آنها در تاریخ و فلسفه تاریخ ملت هاست، به تمدن می پردازد؛ او با توجه به ترکیب ویژگی های مذهبی، جغرافیایی و تا حدودی مشخصه های سیاسی "تمدن" را به عنوان شایسته ترین واحد مطالعات تاریخی معرفی می کند

توین بی پس از آن که به کنکاش و جست و جوی علت تکوین تمدن ها بر می آید و می کوشد علت زایش تمدن ها را باز شناسد به این نتیجه می رسد که یک عامل ساده نمی تواند علت تکوین یا پیدایش تمدن باشد، بلکه عوامل متعددی در تکوین تمدن دخالت دارند. این عوامل، یک واحد مستقل نیستند بلکه مناسبات است. مناسبات، در واقع از نظر توین بی یک نوع تضاد و کشاکش میان دو نیرو است که بسترساز ایجاد تمدن می شود. به عبارت دیگر توین بی عواملی که پیدایش از آنها علت اصلی ایجاد تمدن فرض می شد را دارای چنین شأنی نمی داند و معتقد است که سیر تکوین و پیدایش تمدن ها به عامل نژادی یا محیط جغرافیایی بستگی ندارد بلکه به ترکیب ویژه ای از دو شرط زیر وابسته است. نخست، وجود اقلیتی خلاق در جامعه و دیگر وجود محیطی نه چندان مساعد و مطلوب و نه چندان نامساعد و سخت. جوامعی که واجد چنین شرایطی بوده اند، در قالب تمدن بزرگ جلوه گر شده اند. در واقع او بر این باور است که اقلیت خلاق یک جامعه، گروهی هستند که توان رویارویی با انواع چالش هایی را دارند که در برابر این جوامع رخ می نماید و می کوشند که در برابر آن چالش ها از هستی و چیستی جامعه خود، دفاع کنند. همین کنش ها و واکنش ها سبب ایجاد یک تمدن می شود.

اثر دیگری که در این موضوع می توان از یاد کرد، کتاب پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران (ولایتی، ۱۳۸۲) اثر علی اکبر ولایتی است. این کتاب از جمله معدود آثاری است که سیر تمدن اسلامی را از ابتدای اسلام تا زمان معاصر بررسی می کند. در این کتاب چگونگی شکل گیری تمدن بزرگ اسلام در چارچوب سرزمینی آن مورد بررسی قرار گرفته و مشخصات این تمدن در حوزه های مختلف از جمله دانش و فرهنگ در دوران شکوفایی آن اشاره می کنند. نکته ی مهم در این کتاب تحلیل علل افول نسبی این تمدن و چگونگی رویارویی آن با مظاهر تمدن غرب چه در گذشته و چه در زمان حاضر است.

در مورد تمدن غرب، می توان به کتاب **تمدن غرب در تاریخ جهان** (Stearns, ۲۰۰۳) اشاره نمود. استرنس در این کتاب ابتدا به بررسی ریشه های تاریخی تمدن غرب پرداخته، پس از آن چگونگی ظهور تمدن در مغرب زمین را نشان می دهد. در دو بخش دیگر، نویسنده به شرح چگونگی شکوفایی این تمدن و وضعیت آن در عصر حاضر و چگونگی تعامل تمدن غرب با سایر تمدن را مورد بررسی قرار می دهد. ایده ی کلی وی این است که تمدن غرب را باید در بستر تاریخی آن مورد توجه قرار داده و مفاهیم کلیدی آن را باید در ارتباط با تغییرات جهان درک کرد. (Stearns, ۲۰۰۳)

۳-۴ - شرق شناسی

ادوارد سعید در کتاب خود با عنوان **شرق شناسی** (سعید، ۱۳۷۱) تلاش نموده ابعاد و زوایای این موضوع را از نقطه نظر گفتمان قدرت مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد. او با نگاهی انتقادی به آن چه که شرق شناسی نامیده می شد، آن را به مثابه ی گفتمانی خاص مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد. گفتمانی که شناخت مورد نیاز غرب از شرق را در طول چند قرن شکل داده است و داده های مورد نیاز دولت های استعماری، دانشگاه ها و برنامه سازان غربی فراهم می آورده است. از نگاه سعید از زمان شکل گیری شرق شناسی تا به امروز، این شیوه به تمرینی در قدرت و دانش تبدیل شده که به موجب آن دنیای غیر غرب، به صورت دنیایی منطقه ای شده و حاشیه ای در آمده است.

وی نشان می دهد این گفتمان، شرق و نسبت آن با غرب را حول چهار محور تعریف کرده است: نخست، میان "شرق" و "غرب" تفاوت مطلق و منظم وجود دارد. دوم، تصویر ارائه شده از شرق در غرب را غربیان نه بر واقعیت جوامع مدرن شرقی، بلکه بر تفاسیر متنی و ذهنی خود استوار ساخته اند. سوم، شرق لایتغیر و یکنواخت است و قادر به تعیین هویت خود نیست و در نهایت شرق وابسته و فرمانبردار است. (ادوارد سعید، ۱۳۷۱، ۸۸-۹۴)

سعید شرق با این چهار روایت در آثار شرق شناسان و در ذهنیت غربی شکل گرفته است. پیش فرض همه ی این روایت ها این است که اسلام به ذات و ماهیت از غرب جدا است. این رویکرد نسبت به اسلام، ذات گرایانه، تجربه گرایانه و تاریخ گرایانه است و با تمرکز بر ویژگی های وجودی و ذاتی، گستردگی و تنوع بالای اسلام را ضعیف و کم رنگ نشان می دهد. مهم ترین نقد سعید به شرق شناسی این بود که ویژگی پایدار پارادایم شرق شناسی در غرب این است که شرق را پدیده ای راکد، غیرعقلانی و عقب مانده می داند، در مقابل این غرب است که تغییرپذیر، عقلانی و پیشرفته می نماید (ادوارد سعید، ۱۳۷۱، ۱۷۸) از این دیدگاه مفهوم بنیادی جامعه شرقی به موضوع گفتمان های قدرت و قدرت استعماری بدل می شود. شرق شناسی به مثابه نظریه قدرت استبدادی، نظریه فقدان تغییر اجتماعی، نظریه جنسیت و شهوترانی شرق در برابر ریاضت طلبی غرب و نیز نظریه عدم انضباط و عقلانیت در شرق در برابر عقلانیت بوروکراتیک غرب نمود یافت.

به این ترتیب شرق شناسی این امکان را به وجود می آورد که چیزهای گوناگونی، شرقی معرفی شوند. مفاهیمی نظیر فساد، قساوت، استبداد، جوهر، روحیه، عرفان، شهوانیت، روح و شکوه شرقی به گفتمان روزمره ناظران اروپایی راه یافت. بدینسان که شرق نه تنها به صورت نمونه کامل یک اندیشه جانشین درآمد، بلکه به یک دیگری هستی شناختی بدل گردد که باید کشف، محصور رهانیده و متمدن شود. (ادوارد سعید، ۱۳۷۱، ۱۷۹) سعید از جمله نخستین کسانی است که مبحث خود و دیگری را در تحلیل و ارزیابی اندیشه های شرق شناسانه به کار گرفت و تأثیر اصلی او به طور غیرقابل انکاری در حوزه ی تحلیل گفتمان استعماری بوده است. به نوعی که می توان وی را در این قلمرو به عنوان آغازگر راهی جدید در فهم چگونگی عملکرد استعمار در جوامع شرقی تلقی کرد.

نویسنده ی دیگری که در این حوزه می توان از او یاد کرد، بابی سعید است. وی در کتاب خود با عنوان "هراس بنیادین: اروپا مداری و ظهور اسلام‌گرایی" (بابی سعید، ۱۳۷۹) در پی پاسخ به این سؤال است که اسلام‌گرایی چگونه توانسته به گونه ای روز افزون جایگاه مهمی در بینش مسلمانان بیابد؟ نکته ی مهم در فهم این کتاب این است که وی به دنبال تبیین نوع خاصی از اسلام‌گرایی نیست، بلکه مفروض وی این است که: اسلام‌گرایی یک طرح سیاسی است که فقط از راه انقلاب خواهان تصرف قدرت دولتی نیست، بلکه حرکتی برای ایجاد طرح اجتماعی است که می‌تواند از راه‌های متعدد به ظهور برسد، از این رو زمینه برای هر نوع راهبردی در راستای اسلامی شدن وجود دارد. چارچوبی که نویسنده برای ارائه بحث خود به کار برده، چارچوب تحلیل گفتمانی است، تحلیل گفتمانی مدعی است که در هر جامعه‌ای برای تداوم آن یک نظام معنایی خاصی شکل می‌گیرد؛ لذا برای تحلیل هر دوره‌ای ابتدا باید نظام معنایی آن مورد توجه قرار گیرد. (بابی سعید، ۱۳۷۹، ۲۰)

در فصل دوم این کتاب با عنوان "اندیشه‌هایی درباره اسلام‌گرایی، باز اندیشی در اسلام"، بابی سعید به بیان برخی اندیشه‌ها درباره اسلام‌گرایی از جمله شرق‌شناسی می‌پردازد و این سؤال را مطرح می‌کند که آیا شرق‌شناسی می‌تواند تبیین‌های شایسته از اسلام ارائه دهد؟ وی پاسخ می‌دهد که شرق‌شناسی سعی دارد اسلام را در دنیای معاصر تبیین کنند اما موفق نمی‌شوند. آنها اسلام را در حد یک هویت اسمی تقلیل می‌دهند و اسلام بدل به برجسبی می‌شود و اهمیت آن بسته به معانی و مفاهیمی است که به آن پیوند زده می‌شوند. (بابی سعید، ۱۳۷۹، ۳۹)

۵. نوآوری پژوهش

پایان نامه ی حاضر در دو مورد جنبه های نوآورانه ای را دارد. نخست آن که رابطه ی میان دو حوزه ی تمدنی مختلف را از نگاه برنارد لوئیس تحلیل و ارزیابی می نماید و دیگر آن که در این حوزه به کنکاش و نقد آرا و اندیشه های این شرق شناس نیز می پردازد

۶. پرسش اصلی

این پژوهش بر محور این پرسش شکل گرفته که "برنارد لوئیس رابطه با جهان اسلام و غرب را چگونه به تصویر کشیده و این تصویر چه تأثیری بر تعامل میان این دو حوزه ی تمدنی داشته است؟"

۷. پرسش‌های فرعی

چه الگوی نظری را می توان برای تحلیل آرای برنارد لوئیس به کار بست؟

برنارد لوئیس کیست؟

رابطه ی میان جهان اسلام و غرب در آثار برنارد لوئیس دارای چه ویژگی هایی است؟

۸. مفروض

پایان نامه ی حاضر بر مبنای دو مفروض اساسی نگاشته شده است که عبارتند از:
نخست آن که تمدن واقعی عینی است که موجودیتی خارجی می توان برای آن متصور بود.
دوم آن که مجموعه ای از تحولات در عرصه ی بین المللی را می توان به عنوان رابط میان تمدنی تعریف و توصیف نمود.

۹. فرضیه

برنارد لوئیس در ایجاد تصویری منازعه آمیز از روابط میان تمدن اسلام و غرب نقش کلیدی داشته و آرای وی به ویژه در میان نومحافظه کاران آمریکایی جایگاه ویژه ای دارد.

۱۰. تعریف مفاهیم

۱۰-۱- تمدن

تمدن در لغت به معنای شهر نشینی و برگرفته از ریشه ی " مدن " در زبان عربی است. این واژه در زبان فارسی در برابر مفهوم **civilization** به کار رفته است. این مفهوم نیز برگرفته از واژه ی **civis** به معنای شهروند در زبان لاتین است. اما به عنوان یک مفهوم واژه ی تمدن به تلقی های گوناگون از حالت های جامعه انسانی می پردازد و به تکامل و شکل گیری روابط بشری اشاره دارد. جدای از این معنا، می توان مشاهده کرد که واژه ی تمدن گاه می تواند به جامعه ی بشری به صورت کلی اشاره کند و همچنین می تواند به معنی استاندارد برای رفتار مشابه رفتار محترمانه و رسمی اجتماعی استفاده شود. رفتار متمدن یا مدنی نقطه مقابل بربریت یا رفتار بد و ناخوشایند تلقی می شود. در این مفهوم، تمدن به معنی مهارت و تخصص نیز می باشد.

بررسی ریشه های زبانی واژه ی **civil** به معنای شهر نشین یا شهروند نشان می دهد که این کلمه از سال ۱۳۸۸ میلادی **civil** به زبان انگلیسی وارد شده و به واژه ی **civilization** به معنی قانونی که مراحل اعمال جنایی و قانونی را برای شهروندان انجام می دهد، در سال ۱۷۰۴ بکار رفته است. این واژه در سال ۱۷۲۲ با مفهومی نزدیک به واژه ی تمدن استفاده شده است که معنای آن وضعیتی در برابر بربریت بود. (گولد و کولب، ۱۳۸۴، ۲۶۷-۲۶۸) در ساده ترین حالت، تعریف ادبی کلمه تمدن به معنی یک جامعه ترکیبی و پیچیده است. از نظر فنی انسان شناس ها مفهوم تمدن را در شمار بسیاری مردمانی که در شهرها زندگی می کنند و غذا و خوراک خود را از کشاورزی تهیه می کنند، در جوامع به هم پیوسته با مردمانی که در گروه های نمادین زندگی می کنند، در جوامع قبیله ای با مردمانی که در گروه ها و محل های کوچک زندگی می کنند، در مردمان وابسته به هم بیابانگرد کوچ کننده که با شکار کردن و جمع آوری مواد غذایی زندگی می کنند، و نیز در قبیله هایی که با کار کردن در باغ های تولید گل و میوه و سبزیجات امرار معاش می کنند می یابند. البته، وقتی که این کلمه به صورت صفت استفاده می شود، فقط به بعضی از گروه های بشری اطلاق می شود و شامل جوامع و مردمان دیگر نمی شود. (گولد و کولب، ۱۳۸۴، ۲۶۸)

هرسکویتس در تعریف تمدن می نویسد که تمدن عبارت است از مجموعه ی دانش ها، هنرها، فنون،